



۱۱

استان گلستان به بیش از ۵۰ سینما نیاز دارد در حالی که تعداد سینماهای مرکز این استان کمتر از انگشتان يك دست است

سینماهای ۵۰ ساله خسته

گفت‌وگو با سید مهدی عظیمی میرآبادی دبیر شانزدهمین جشنواره فیلم مقاومت

بی تفاوتی به دریای بی‌کران

۱۰

تازه‌ترین رمان ماریو وارگاس یوسا پیش از ترجمه به انگلیسی به فارسی ترجمه و منتشر شد

پیش‌دستی ایران برای سوپرماریو



فرهنگ

دوشنبه ۷ مهر ۱۳۹۹ :: شماره ۵۷۴۷



۱۱

جام جم

رصدخانه:
سیدکریم محمدی
فعال فرهنگی
و اجتماعی

صیانت از شوریده‌حالی

امروز روز بزرگداشت شمس تبریزی است

شوریده‌حالی محمدبن ملک‌داد، به نوعی مادرزاد بود. روایت‌هایی که از کودکی او در تبریز موجود است، این شوریده‌حالی را به‌وضوح نشان می‌دهد. او بلد بود از این حال، صیانت کند و آن را تا وقتی به شمس‌الدین عارف تبدیل شود و تا پایان عمر حفظ کرد. به شهرها و کشورهای گوناگون سفر کرد، درس خواند و به دیگران درس آموخت. در هر شهری به سراغ عارفی می‌رفت و با او هم‌سخن و هم‌دل می‌شد. سرانجام گذرش به قونیه افتاد و با جلال‌الدین محمد مولوی دیدار کرد. این دیدار به‌سان حادثه‌ای شگفت‌انگیز، مولانا را به طور کلی دگرگون کرد و از او انسانی دیگر ساخت. در پی این واقعه، مریدان مولانا به دنبال شمس تبریز افتادند که چرا عارف شهرشان را به راهی دیگر کشانده است.

شمس آزرده‌خاطر شد و به حالت قهر قونیه را ترک کرد و بازآمد؛ «صدبار اگر توبه شکستی بازآی»، ولی برای بار سوم رفت و دیگر نیامد و کسی ندانست کجارت و دیگر نیامد و سرانجامش چه شد. مولانا دیوان کبیرش را به نام شمس تبریز کرده که در غالب ابیات آن به جای تخلص خود، نام شمس را آورد.

آنچه امروز از شمس باقی است کتاب مقالات اوست که پژوهشگر معاصر، محمدعلی موحّد - که پنج کتابش در حوزه‌های مختلف، به عنوان کتاب‌های برگزیده در جایزه کتاب سال معرفی شده است - آنها را باجست‌وجو در کتابخانه ملی ترکیه، تصحیح، گردآوری و منتشر کرده است. او بود که با طریقت خویش، زندگی مولانا را دستخوش انقلابی روحی کرد. پدر شمس او را دیوانه می‌خواند و بزرگان عصر او نیز از درک حالش عاجز بودند. او همواره به دنبال خدا بود و هر جایی که نشانی از تعلقات دنیوی داشت، او را فراری می‌داد. وقتی وارد قونیه شد گفت به سراغ یکی از اولیای خدا آمده‌ام. شیخ بهایی، شمس را حکیم معنوی می‌خواند. چند وقتی است به خاطر خبرهای تولید فیلمی سینمایی با محوریت رابطه شمس و مولانا با عنوان «مست عشق»، نام شمس دوباره بر سر زبان‌هاست.

پشنوید

پادکست خرقه

[داستان زندگی شمس و مولانا]

آثری از محسن بوالحسنی و بهاء‌الدین مرشدی

منتظرش باشید

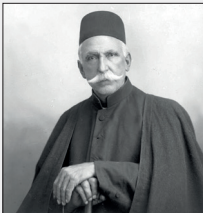
فیلم «مست عشق»

کارگردان: حسن فتحي

بازیگران: شهاب حسینی، پارسا پیروفر...



دعای کمال‌الملک و اهالی سعادت‌آباد!



۷ مهر زادروز محمدغفری‌کاشانی
ملقب به کمال‌الملک است

حسن صهبایغمایی در شماره ۳۹ مجله وحید در اسفند ۱۳۵۲، خاطره‌ای از استاد کمال‌الملک نقل کرده که بسیار خواندنی است. این خاطره البته با نثر غالب آن دوره و با بهره‌مندی از آرایه‌ها، واژگان و تعبیر کهن به رشته تحریر درآمده است که خلاصه‌ای از آن را در ادامه بازنویسی کرده‌ایم:

مرحوم کمال‌الملک در حسین‌آباد شش دانگ مزرعه به مبلغ ۱۸ هزار تومان از مرحوم سالار معتمد خریداری می‌کند. کمال‌الملک مبلغ قابل‌توجهی در این زمین خرج می‌کند و ویلایی چشم‌نواز در آن می‌سازد، به طوری که اغلب وزیران وقت این ویلا را دیده و شبی را در آن گذرانده بودند. با آن‌که حسین‌آباد دو سه فرسخ از جاده تهران - مشهد فاصله داشت و قریه‌ای فرعی محسوب می‌شد، اما شوق دیدار کمال‌الملک سبب شده بود حتی محمدعلی فروغی؛ نخست‌وزیر وقت در هر بار گذر از این جاده، شبی را در ویلا ی کمال‌الملک بگذرانند. القصة، آن موقعی که کمال‌الملک این زمین را می‌خرید، هنوز سازمان ثبت اسناد دایر نشده بود. اما به محض تأسیس این سازمان و دستور حکومت مبنی بر ثبت تمام املاک، کمال‌الملک تصمیم گرفت به اسناد قباله خریداری شده و استشهاده به حاکمی از اموال و املاک خود، این مزرعه را نیز به ثبت برساند. مالکین سعادت‌آباد که مجاورین کمال‌الملک و از حیث تعداد دو برابر شاهدان کمال‌الملک بودند، به تقاضای ثبت کمال‌الملک اعتراض می‌کنند و مدعی می‌شوند قسمت عمده اراضی مزروعی که به عنوان «حسین‌آباد» توسط کمال‌الملک خریداری شده، در واقع ملک «سعادت‌آباد» است؛ این پرونده در دادگستری نیشابور جریان می‌یابد و در تاریخ آمده که حسین بهزادی بدون دریافت مبلغ حق‌الوکاله، وکالت کمال‌الملک را به عهده می‌گیرد. حسن صهبایغمایی (راوی این خاطره) از سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴ در دادگستری نیشابور خدمت می‌کرده و امور اجرایی این پرونده را به عهده داشته است. در نهایت با بررسی جمیع جوانب دادگاه به نفع کمال‌الملک رای می‌دهد و غائله ختم به خیر می‌شود. یغمایی می‌نویسد کمال‌الملک آلبومی مشتمل بر عکس‌های ۱۲ تا از تابلوهای خود را که مرحوم دکتر غنی‌نفس از تصویر اصل آنها به مجلس شورای ملی برای وی فرستاده بود، به او هدیه می‌دهد. یغمایی پس از تماشای تمام تابلوها از کمال‌الملک می‌پرسد به نظر خود شما که آفریننده این تصاویر هستید، کدام‌یک از آنها از الباقی بهتر است؟ کمال‌الملک به تابلوی «تالار آینه» اشاره می‌کند و می‌گوید: این! چرا که پنج سال از بهترین سال‌های عمر مرا به خود اختصاص داد. علاوه بر این، این سبک نقاشی تاکنون در دنیا بی‌سابقه بوده است!

نمایشگاه طرح‌های عاشورایی علیرضا روح‌الامینی با نام «خلوت مسیح» این روزها با استقبال خوب مخاطبان روبه‌رو شده است

خلوت روح‌الامین



پیمان طالبی

ادبیات و هنر

جمعه‌ای که گذشت، آیین گشایش نمایشگاه نقاشی و خط علیرضا روح‌الامینی با عنوان «خلوت مسیح» در سالن خلیج فارس فرهنگسرای نیاوران برگزار شد. نام روح‌الامین با آثار تجسمی با رویکرد آیینی گره خورده است. چندسالی است که آثار حسن روح‌الامین در حوزه تاریخ اهل بیت (ع) توجه همه علاقه‌مندان را به خود معطوف کرده است و حالا پسرعموی او علیرضا روح‌الامینی نمایشگاهی با رویکرد عاشورا و سیدالشهدا (ع) برپا کرده است. در این نمایشگاه ۳۰ اثر از آثار روح‌الامینی در زمینه نقاشیخط با مضمون اشعار، القاب و ادعیه‌هایی پیرامون واقعه عاشورا به نمایش گذاشته شده است. به بهانه این نمایشگاه با علیرضا روح‌الامینی به گفت‌وگو نشستیم. ایم تا از زوایای کمتر دیده شده تابلوهایش برایمان بگوید.

❖ کمی از ایده نمایشگاه خلوت مسیح بگویید. از کجا به این فکر افتادید که نمایشگاهی با موضوع عاشورا برگزار کنید؟

از بچگی و حال و هوای هیات و روضه و دستگاه امام حسین (ع)، از روضه‌های خانگی خانه مادر بزرگم حوالی میدان منیریه تهران تا عزاداری و نذری همه‌ساله عاشورا و تاسوعای قم محله چهار مردان همیشه آرزو داشتم که بتوانم کاری در این دستگاه انجام دهم و در این عزانقشی داشته باشم. بعضی‌ها سینه‌زن امام حسین (ع) هستند. بعضی‌ها چای می‌ریزند. بعضی در تزئینات هیات کمک می‌کنند، بعضی‌ها کفش جفت می‌کنند، بعضی‌ها روضه خوان هیئات هستند. خلاصه هرکس به طریقی برای امام حسین (ع) کاری می‌کند. من هم دوست داشتم سهمی در این عزا داشته باشم. تا این‌که با نقاشیخط آشنا شدم و وارد فضای نقاشیخط شدم و بعد از فضای نقاشیخط اولین نمایشگاهی که برگزار کردم تابلویی بود برای پیامبر اکرم (ص) که مربوط به شمایل نوجوانی ایشان بود. اتفاقاتی که در این کار برای من افتاد، مسیر زندگی مرا عوض کرده و از مشکلی که آن روزها با آن درگیر بودم، رها کرد. در هر مشکل و گرفتاری همواره از حضرت سیدالشهدا (ع) کمک خواستم و این شعر ورد زبانم بوده که:

ای که می‌بخشی تو با انگشتی انگشت خویش / دست خالی رد مکن ما را ز کویت یا حسین

خلوت مسیح به نوعی سفارش خود ارباب به من بود و در تمام این شش ماه که این تابلوها را کشیدم به آرامش روحی عجیبی رسیدم. در پناه حضرت حسین (ع) آرام شدم و از طرفی هم به آرزوی کودکی‌هایم رسیدم که نام من هم جزو خادمان دستگاه سیدالشهدا (ع) بنویسند. به اعتقاد من بهترین کار در این عالم این است که اثر یا ردپایی از خودمان در دستگاه سیدالشهدا (ع) به جا بگذاریم بلکه باعث شفاعت ما در روز محشر باشد. مطلب بعدی این‌که

شهادت ایشان را عزادارند و از طرفی روایتی است که از ابن عباس از امیرالمومنین (ع) نقل شده فرمودند زمانی که حضرت عیسی با حواریون از سرزمین کربلا عبور می‌کردند، دیدند حضرت عیسی نشستند و شروع به گریه کردند و حواریون نیز با ایشان شروع به گریه کردند و علت گریه حضرت را نمی‌دانستند از این رو به حضرت گفتند ای روح خدا و کلمه حق سبب گریه شما چیست؟ حضرت فرمودند می‌دانید اینجا چه سرزمینی است؟ اینجا سرزمینی است که در آن فرزند رسول خدا و فرزند آزاد زن پاک و میرا از هرگونه پلیدی و آلودگی که شبیه مادر مریم است کشته شده و در آن دفن می‌شود (به نقل از امالی شیخ صدوق، صفحه ۶۹۵، حدیث ۵) از این رو نام خلوت مسیح برای من یادآور تنهایی‌های حضرت مسیح هنگام روضه‌خوانی برای حضرت سیدالشهدا و گریه ایشان بوده و تنهایی امام حسین (ع) در لحظه‌های آخر عمر مبارکشان است. بدین جهت اسم خلوت مسیح را برای این موضوع انتخاب کردم.

❖ استقبال از نمایشگاه تا امروز چطور بوده است؟ کلا میزان استقبال از نمایشگاه‌های این چنینی با رویکرد مذهبی در کشور ما را چطور ارزیابی می‌کنید؟

خدا را شکر میزان استقبال بسیار خوب بود. بسیاری از هموطنان با توجه به شرایط کرونا استقبال خوبی کردند و از همه طیف افراد جامعه به این نمایشگاه آمدند و این برای من خیلی جالب بود. تصور این بود که فقط دوستان هیات‌ی و عاشقان حضرت سیدالشهدا (ع) حضور پیدا خواهند کرد و این در حالی بود که بسیاری از هنرمندان با افکار و عقاید مختلف هم از



❖ من دیدم در بعضی تابلوها از تک‌بیت‌هایی استفاده شده یا در شانسانمه اثریک بیت شعر آورده‌اید. این بیت‌ها را چطور انتخاب کردید و رابطه خود در خلق آثار این چنینی با ادبیات عاشورایی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

خیلی سوال خوبی است. من معمولاً برای رسیدن به کانسپت و مفهوم کار این‌طور برخورد می‌کنم شعری را می‌خوانم و بعد از خوانش کانسپت، مفهوم و ایده‌ای به ذهنم می‌آید و ایده را عملیاتی می‌کنم. من برای رسیدن به ایده‌ها به کلمات احتیاج دارم. این کلمات از جنس شعری یا احادیث هستند. البته این رابطه، به صورت دوسویه است. برای من جالب است اگرچه من اهل شعر آیینی نبوده‌ام و بیشتر با شاعرانی چون مولانا، حافظ، رهی معیری و هوشنگ ابتهاج مانوس بوده‌ام، ولی هنگامی که این مجموعه را آماده می‌کردم با شاعران آیینی توانمند و شگفت‌انگیزی آشنا شدم و این یکی از دستاوردهای من در این نمایشگاه بود.